

Effectiveness of Interpersonal Creative Problem Solving Training Program on Creativity and Social Skills of Labor Children

Leila Kashani Vahid *

Assistant professor, Psychology, Department of Psychology and Special Education, School of Literature, social science and Humanities, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Elham Hakimirad 

Assistant professor, Psychology, Faculty of Education sciences and psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Maryam Asaseh 

Assistant professor, Psychology, Department of Psychology and Special Education, School of Literature, social science and Humanities, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Zahra Farsian 

M.A. Psychology and Special Education, Department of Psychology and Special Education, School of Literature, social science and Humanities, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to evaluate the effectiveness of interpersonal creative problem-solving training programs on the creativity and social skills of labor children. The design of the study was quasi-experimental with a pretest-posttest and a control group. Using random sampling, 20 labor boys aged 7 to 10 years were selected and assigned as experimental and control groups (each group consisted of 10 people). The experimental group participated in a creative problem-solving program for 15 sessions (70-90 minutes each session). Forms A and B of the Torrance Test of Creative

* Corresponding Author: lkashanimoradi@gmail.com


How to Cite: Kashani Vahid, L., Hakimirad, E., Asaseh, M., Farsian, Z. (2021). Effectiveness of Interpersonal Creative Problem Solving Training Program on Creativity and Social Skills of Labor Children, *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 11(43), 207-232.

Thinking (TTCT) and Teacher's form of Gresham and Elliot questionnaire of social skills (SSRS) were used as the measurement tools. The obtained data were analyzed using SPSS software 26 and analysis of the covariance. The findings showed significant differences between the experimental and the control group in creativity and social skills. Accordingly, a creative problem-solving program is recommended as a preventive program for labor children.


Keywords: Creative Problem Solving, Creativity, Social Skills, Labor Children.

اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار

استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم اجتماعی و انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*  **لیلا کاشانی‌وحید**


استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

 **الهام حکیمی راد**

استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم اجتماعی و انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

 **مریم اساسه**

کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم اجتماعی و انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

 **زهرا فارسیان**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر آموزش مهارت‌های حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار بود. روش پژوهش از نوع شبه آزمایشی و در قالب طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. ۲۰ نفر از کودکان کار پسر ۷ تا ۱۰ ساله به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل گمارش شدند. برنامه آموزش حل مسئله خلاق بین فردی برای گروه آزمایش در ۱۵ جلسه (هر جلسه ۷۰-۹۰ دقیقه) اجرا گردید. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از آزمون تفکر خلاق تورنس فرم الف و ب (TTCT) و مقیاس درجه‌بندی مهارت‌های اجتماعی (SSRS) فرم آموزگار استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و آزمون کوواریانس تحلیل شد. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که بین میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل در هر دو متغیر وابسته تفاوت معناداری وجود داشت و آموزش مهارت‌های حل مسئله خلاق موجب بهبود خلاقیت و مهارت‌های

۲۱۰ | روان‌شناسی افراد استثنایی | سال یازدهم | شماره ۴۳ | پاییز ۱۴۰۰

اجتماعی شد. برنامه حل مسئله خلاق بین فردی به‌عنوان راهکاری مداخله‌ای و پیشگیرانه برای کودکان کار می‌تواند مورد استفاده متخصصان و دست‌اندرکاران این حیطه قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله خلاق، خلاقیت، کودکان کار، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

یکی از مشکلاتی که در جوامع در حال توسعه را تهدید می کند، پدیده کار کردن کودکان است. این کودکان با توجه به شرایط خاص زندگی خویش از ابراز نقش مناسب سن خویش محروم می باشند (واتکینز، ۲۰۱۶). کودکان کار به اشتغال کودکان بر هر شغلی اشاره دارد که کودک را از لذت دوران کودکی محروم و با توانایی او برای حضور منظم در مدرسه و تحصیل تداخل می کند و از نظر روانی، جسمانی، اجتماعی و اخلاقی برای کودک خطرناک و مضر است (حسین پور، محمدزاده و عطوفی، ۲۰۱۴). سازمان بین المللی کار، تخمین می زند که ۲۱۸ میلیون کودک در سراسر جهان جزء کودک کار محسوب می شوند و ۱۱۵ میلیون نفر از آن ها درگیر مشاغل پرخطر هستند (پینزون-راندون، سیفونتس، زولاگا، ب و ترو و پینزون-سایسیدو، ۲۰۱۴). بر اساس آمارهای موجود، تعداد کل کودکان خیابانی در ایران ۲۶۰۰۰۰ کودک و در سطح شهر تهران ۳۵ هزار تخمین زده شده است (وامقی، روشنفکر، نوروزی، مدنی، مکفرنالد و میرزازاده، ۲۰۱۹).

اهمیت بررسی مسئله کار کودکان، صرفاً به علت غیراخلاقی و غیرقانونی بودن آن نیست، بلکه به خاطر تأثیر مهمی است که بر تحول کودکان دارد؛ به طوری که کار کودک یک پدیده اجتماعی-اقتصادی و متأثر از وضعیت خود کودک، خانواده او و جامعه است (ادمو و گیسول، ۲۰۱۸). شروع کار در سنین پایین، سختی های زندگی و شرایط نامطلوب در محیط کار، مشکلات روانی-هیجانی و رفتاری را افزایش می دهند (ادویچ، سلکووک و کیناک، ۲۰۱۸). بررسی ها حاکی از آن است که کودکان کار، سطح بالایی از احساس تنهایی، افسردگی، عدم شایستگی، مشکلات روان شناختی و مشکلات هیجانی-رفتاری

1. Wilkins
2. Hosseinpour, Mohammadzadeh & Atoofi
3. International Labor Organization (ILO)
4. Hinzón-Rondón, Cifuentes, Zuluaga, Botero & Pinzon-Caicedo
5. Vameghi, Roshanfekar, Noroozi, Madani, McFarland & Mirzazadeh
6. Admaw & Ghosal,
7. Avci, Selcuk & Kaynak

تجربه می‌کنند (مایبورگ، موللا و پوگنپولا، ۲۰۱۵). براساس یافته‌های پژوهشی، به دلیل شرایط سخت زندگی، امید به آینده در کودکان کار نسبت به سایر همسالان به‌طور معناداری کمتر بوده و مشکلات هیجانی-رفتاری در آن‌ها بالاتر است و این کودکان در معرض احساس تنهایی، بی‌معنایی، ناامیدی و رهاشدگی قرار دارند (ایمانزاده و علیپور، ۲۰۱۹). در مطالعه دیگری (ابراهیم، عبداللا، جعفر، عبدالغدير و د-وريس، ۲۰۱۹) شیوع بالاتر مشکلات هیجانی-رفتاری و کاهش راهبردهای مقابله‌ای کارآمد در کودکان کار خیابانی گزارش شده است. میزان بالای مواجهه با رویدادهای تنش‌زا و محدودیت منابع حمایتی در رویارویی با تنیدگی ازجمله عوامل مهمی است که موجب به‌کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای ناکارآمد در موقعیت تنش‌زا می‌شود (لامارکا، بوش، سفیدان، انن، وایس و الرت، ۲۰۱۷).

کودکان کار به علت قرار گرفتن در محیط‌های ناسالم و پرخطر، احتمال بیشتری برای دچار شدن به اختلالات رفتاری دارند. از سوی دیگر اختلال رفتاری رابطه منفی با اجتماعی شدن کودکان دارد (ورکو، اورگسا و ایشو، ۲۰۱۹). مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و همین‌طور حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش و درنهایت ارتقاء بهداشت روان‌شناختی تعریف می‌شود (مافرا، ۲۰۱۵). تعامل‌های اجتماعی کار، به‌وضوح برای سازش هیجانی و رفتاری و عملکرد موفق در خانه، مدرسه، محل کار و اجتماع ضروری هستند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی توانمند هستند می‌توانند از منظر دیگران به مسائل نگاه کنند و به‌طور مناسبی به مشکلات پاسخ دهند (هالاکر و مرل، ۲۰۱۰). یکی از گروه‌هایی که در جامعه ممکن است از داشتن مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره مانده باشند، کودکان کار هستند. این کودکان

-
1. Myburgh., Moolla & Poggenpoel
 2. Imanzadeh & Alipour
 3. Ibrahim, Abdalla, Jafer, Abdelgadir de Vries
 4. La Marca, Bösch, Sefidan, Annen, Wyss & Ehlert
 5. Worku, Urgessa & Abeshu
 6. Mafra
 7. Harlacher & Merrell

به دلیل نیاز خانواده ناگزیر به کار در خارج از خانه هستند و این کمبود یا عدم نظارت والدین و ورود زودهنگام به دنیای بزرگسالان، فرصت مشاهده، یادگیری و تمرین مهارت‌های اجتماعی را در محیط امن خانواده ندارند. همچنین به دلیل نیاز به کار و عدم حضور در مدرسه، فرصت تحصیل و فراگیری آموزش‌های تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی در مدرسه را هم از دست می‌دهند. برخی از این کودکان حتی در زمان‌هایی که در کنار خانواده می‌گذرانند، به دلیل فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیط خانواده، احساس امنیت و آرامش ندارند و مهارت‌های تفکر و اجتماعی را کسب نمی‌کنند (نژاد و خدابخشی کولایی، ۲۰۲۰).

یکی از روش‌ها برای آموزش مهارت‌های اجتماعی پیچیده‌تر با تأکید بر تعمیم مهارت‌های اجتماعی، رویکرد شناختی است و از جمله تکنیک‌های رویکردهای شناختی، حل مسئله می‌باشد (چانگ، د-زوریل و سانا، ۲۰۰۴). حل مسئله، فرایندی شناختی-عاطفی-رفتاری است که در طی مراحل آن فرد تلاش می‌کند تا راه‌حل‌های مؤثر و سازگارانه‌ای برای مشکلات زندگی خود کشف کرده و یا به وجود آورد. حل مسئله بین فردی، رویکردی کاربردی در کمک به کودکان در یادگیری، ارزیابی و حل و فصل مشکلات ارائه می‌دهد. هدف اصلی آن آموزش چگونه اندیشیدن است (سوسا، مونتیرو، والتون و پیسارآ، ۲۰۱۴). افرادی که قادر به انتخاب راه‌حل‌های مؤثر برای مشکلات اجتماعی هستند در درازمدت سازش یافتگی شخصی و عملکرد اجتماعی بهتری خواهند داشت (نلسون و سیم، ۲۰۱۴). توانایی برای حل مسائل به‌طور موفقیت‌آمیز می‌تواند رفتار مثبت، پیشرفت تحصیلی، عزت‌نفس و فرصت‌های اجتماعی را افزایش دهد و ناکامی طی موقعیت‌های روزمره را کاهش دهد (گاراایگوردوبیل و بریکو، ۲۰۱۱). در پژوهش‌های مختلف تأثیر آموزش حل مسئله بر کاهش حساسیت بین فردی، پرخاشگری، رفتارهای پرخطر، استرس و افزایش کنترل خشم و بهبود روابط اجتماعی و ارتقای کفایت اجتماعی

1. Chang, D'Zurilla & Sanna
2. Sousa, Monteiro, Walton & Pissarra
3. Nelson & Sim
4. Garaigordobil & Berruenco

تأیید شده است (زراعت کار و مرادی، ۱۳۹۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند زمانی که کودکان یاد می‌گیرند که از تفکر حل مسئله استفاده کنند، سازگاری اجتماعی آن‌ها بهبود می‌یابد و کاهش چشمگیری در آشفتگی‌های هیجانی و گوشه‌گیری اجتماعی آن‌ها رخ می‌دهد (شور، ۱۹۹۳). از سوی دیگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق مداخله‌های شناختی-رفتاری در طول زمان نتایج بهتری را پدید آورده‌اند، زیرا این برنامه‌ها، رفتارها و راه‌حل‌های خاصی را ارائه نمی‌دهند، بلکه فرایندهایی برای یافتن بهترین راه‌حل‌ها را آموزش می‌دهند (شور و ابرسون، ۲۰۱۳).

یکی از مدل‌هایی که می‌توان مهارت حل مسئله را به وسیله آن آموزش داد و با تکنیک‌های خلاق ترکیب کرد، حل خلاقانه مسائل است. این چهارچوب شامل فرایندی ویژه در حل مسائل است که در آن فرد به شکلی نظام‌مند به منظور سازماندهی اطلاعات و ایده‌ها در حل مسائل و افزایش رفتار خلاق، تفکر همگرا و واگرا را به کار می‌گیرد (کاشانی‌وحید، افروز، شکوهی‌یکتا، خرازی و غباری، ۲۰۱۷). تفاوت حل مسئله و حل مسئله خلاقانه در نوع مسئله موردنظر و فرایند مورد استفاده است. در مواجهه با مسائل خوش‌ساختار که دارای انتهای معینی هستند، می‌توان از روش‌های حل مسئله معمولی استفاده کرد؛ اما وقتی با مسائل بدساختار و باز انتها روبرو هستیم، بهتر است از حل مسئله خلاقانه استفاده کنیم؛ زیرا حوزه یک مشکل یا تعریف یک فعالیت می‌تواند به وضوح تعریف شده یا درهم‌و‌برهم و مبهم باشد. اگر مسیر یافتن راه‌حل از پیش تعیین شده باشد، آن مشکل می‌تواند توسط نیروهای حافظه، مهارت و دانش قابل حل شدن باشد؛ اما حل مسائل بدساختار و از پیش تعیین نشده، به کمک حل مسئله خلاق ممکن می‌باشد (اسکین، ۲۰۱۲). همچنین از آنجایی که یک پاسخ درست یا غلط برای مسائل بین فردی وجود ندارد، راه‌حل‌های مؤثر را می‌توان از طریق رویکرد خلاقانه به حل مسئله بین فردی به

-
1. Shure
 2. Aberson
 3. Kashani-Vahid, Afroz, Shokoohi-Yekta, Kharrazi & Ghobari
 4. Eskin

دست آورد (پوچیو، بورت، آکار، یودس، هولینگر و صبرا، ۲۰۲۰). آشنایی کودکان با فرایند حل مسئله خلاق، به آن‌ها کمک می‌کند تا خودشان مسائل را تشخیص دهند و پاسخ‌های متنوع و فراوانی برای حل آن‌ها خلق کنند. از جمله مزایای حل مسئله خلاق، بهبود مهارت‌های ارتباطی و رشد خلاقیت، نوآوری و ابداع در فراگیر می‌باشد (شعبانی، ملکی، عباسپور و سعدی پور، ۱۳۹۶).

نتایج پژوهش‌های مختلف در زمینه پرورش خلاقیت نشان می‌دهد که آموزش مهارت حل مسئله از بهترین و منطقی‌ترین روش‌ها برای پرورش خلاقیت است (شور و ابرسون، ۲۰۱۳). آموزش حل مسئله خلاق در بیشتر ابعاد رشدی تأثیرگذار است، حتی چنین آموزشی موجب شناسایی بهتر هیجانات و ابراز بهتر آن‌ها و نیز موجب برقراری رابطه و سازگاری اجتماعی بهتر می‌شود (شاه‌حسینی تازیک، فروزانفر، هاشمی گلپایگانی و طاهری، ۱۳۹۴). نتایج مطالعه کزدین^۲ (۲۰۱۰) نشان داد آموزش برنامه حل مسئله به نوجوانان دارای اختلال سلوک در بهبود عملکرد کودک در خانه، محله و مدرسه مؤثر بوده است. این نتایج در پیگیری یک و دو سال پس از پایان درمان نیز قابل مشاهده بود. یافته‌های پژوهشی دیگر تحت عنوان آموزش برنامه حل مسئله بین فردی با رویکرد خلاقانه، حاکی از اثر بخشی آن بر بهبود مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت (کاشانی و حید و همکاران، ۲۰۱۷)، رضایت از زندگی، سازگاری اجتماعی و عاطفی و افزایش خلاقیت (نیکنام، غباری‌بناب و حسن‌زاد، ۱۳۹۸) در دانش‌آموزان تیزهوش بوده است.

ضرورت آموزش این مهارت‌ها برای کودکان کار بسیار واضح است؛ زیرا زندگی دور از خانواده و محدود بودن تعاملات خانوادگی، در طولانی‌مدت این کودکان و نوجوانان را در خطر مشکلات و بحران‌های هویتی، ارتباطی، فردی و اجتماعی قرار می‌دهد (کومینگز^۳، ۲۰۱۶). از آنجایی که کودکان کار مجبور هستند در محیط‌های بزرگ‌سالان قرار بگیرند، فرصت فراگیری مهارت‌هایی که معمولاً در کودکی باید

1. Puccio, Burnett, Acar, Yudess, Holinger, & Cabra

2. Kazdin

3. Cummings

فراگرفته شوند را از دست می‌دهند، ازجمله، مهارت‌های اجتماعی که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند (وبستر-استراتون و رید، ۲۰۰۴)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد آموزش مهارت حل مسئله خلاق بین فردی می‌تواند یکی از راه‌هایی محسوب شود که به کودکان کار در غلبه بر چالش‌های بین فردی کمک کند.

با توجه به جمعیت رو به رشد کودکان کار در ایران و این امر که کودکان کار از محروم‌ترین کودکانی هستند که از کمترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند و اهمیت سلامت روانی در دوران کودکی و نوجوانی، انجام مطالعاتی در زمینه متغیرهای روانی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در مجموع با توجه به آنچه که اشاره گردید کودکان کار در معرض اختلالات رفتاری در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و شناختی دچار ضعف‌هایی هستند که مهم‌ترین آن‌ها مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت است. استفاده از روش حل مسئله یکی از روش‌های نوین شناختی - عاطفی است که می‌تواند بر سر دوراهی‌های سخت زندگی به این کودکان یاری دهد تا با راه‌حل‌های ناب و خلاقانه بر مشکلات زندگی فائق آیند و با مهارت‌های اجتماعی مناسب‌تر با افراد اطراف خود رابطه بهتری برقرار کنند و از آسیب‌های اجتماعی بیشتر پیشگیری نمایند.

همچنین، با توجه به اینکه پیشینه پژوهشی از اثربخشی برنامه حل مسئله خلاق برای کودکان گروه‌های مختلف حمایت می‌کند، وجود خلأ پژوهشی در این حوزه برای کودکان کار، از منظر دیگر ضرورت انجام این پژوهش را تأیید می‌کند. یافته‌های احتمالی مطالعه حاضر علاوه بر پر کردن خلأ پژوهشی موجود و پاسخ‌گویی به فرضیه‌های تحقیق، با ارائه یک برنامه آموزشی جدید در جهت حل مسئله بین فردی و ارتقای مهارت‌های اجتماعی می‌تواند کاربرد پیشگیرانه و مداخله‌ای برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از کار در دوران کودکی داشته باشد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر ارزیابی آموزش حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش‌های شبه‌آزمایشی با گمارش تصادفی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی کودکان کار شهر تهران در سال ۹۸ بود. نمونه مورد مطالعه به روش در دسترس شامل ۲۰ نفر از مدرسه کوشا انتخاب شدند. شرایط ورود به پژوهش شامل جنسیت مذکر، محدوده سنی بین ۷ الی ۱۰ سال، تحصیل در پایه اول، دوم و سوم دبستان و تأیید بهزیستی مبنی بر کودک کار بودن؛ و نیز شرط خروج از پژوهش، عدم شرکت شرکت کنندگان به‌طور هم‌زمان در دوره روان‌شناسی دیگری و عدم استفاده از دارو بود. پس از انتخاب نمونه، شرکت کنندگان به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارش شدند. قبل از ارائه برنامه آموزشی، برای هر دو گروه آزمون خلاقیت به‌عنوان پیش‌آزمون اجرا شد و معلمین هم به مقیاس مهارت‌های اجتماعی پاسخ دادند. سپس برنامه مداخله برای گروه آزمایش اجرا گردید. پس از اتمام آموزش، پس‌آزمون از هر دو گروه آزمایش و کنترل گرفته شد.

در پژوهش حاضر از ابزار زیر استفاده شده است:

آزمون خلاقیت تصویری تورنس^۱ فرم الف و ب (۱۹۹۰): آزمون خلاقیت تورنس در سال ۱۹۶۶ برای اولین بار ساخته شده است و پنج بار در سال‌های ۱۹۷۴، ۱۹۸۴، ۱۹۹۰، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۷ مورد اعتبار سنجی دوباره قرار گرفته است. این آزمون در مطالعات بسیاری به‌عنوان ملاکی برای سنجش خلاقیت به‌کاررفته و جزء آزمون‌های عملکردی است که تعدادی تکالیف باز پاسخ در اختیار فرد می‌گذارد و از او می‌خواهد تا جایی که می‌تواند یک تصویر استثنایی بکشد و یک عنوان بسیار جالب و جدید برای آن انتخاب کند آزمون دارای سه فعالیت می‌باشد که هر فعالیت به‌طور جداگانه عامل‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط را می‌سنجد و در پایان برای هر عامل نمره کل به دست می‌آید. حداقل نمره صفر و محدودیتی برای حداکثر آن وجود ندارد. نمره‌گذاری بر اساس روش باز پاسخ در

1. Torrance Test of Creative Thinking

مقیاس فاصله‌ای، مطابق با دستورالعمل اجرا می‌شود، سپس نمرات هر چهار قسمت جداگانه گزارش می‌شود. این آزمون شامل دو بخش تصویری و کلامی است که هر یک دارای دو فرم موازی آ و ب است. ضریب اعتبار آزمون خلاقیت تورنس با استفاده از آزمون کودر ریچاردسون بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ به دست آمده و روایی محتوا و سازه مطلوبی برای این آزمون گزارش کرده‌اند. در نمونه ایرانی، این آزمون را برای یک گروه ۱۲۰ نفری اجرا و ضرایب ۰/۹۴ برای ابتکار، ۰/۷۲ برای سیالی و ۰/۷۰ برای انعطاف‌پذیری را گزارش شده است (پیرخائفی، ۱۳۹۱).

مقیاس درجه‌بندی مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت^۱ (۱۹۹۰): این مقیاس به منظور ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان ۱۸-۳ ساله، برای سه مقطع پیش‌دبستانی، دبستان و دبیرستان تهیه شده است و دارای سه فرم ویژه والدین، معلمان و دانش‌آموزان است. فرم‌های ویژه والدین و معلمان به ترتیب دارای ۵۵ و ۵۷ گویه بوده و از دو بخش مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری تشکیل شده است. مهارت‌های اجتماعی شامل خرده‌مقیاس‌های همکاری، خودکنترلی و جرأت‌ورزی و بخش مشکلات رفتاری دربرگیرنده خرده‌مقیاس‌های رفتارهای درونی، بیرونی و بیش‌فعالی است. فرم معلم در بخش جداگانه‌ای کفایت تحصیلی دانش‌آموزان را هم اندازه‌گیری می‌کند. فرم‌های درجه‌بندی بر اساس یک مقیاس سه‌درجه‌ای از صفر تا ۳، فراوانی وقوع مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری را از دیدگاه مربی و والد ارزشیابی می‌کند. با جمع نمره‌های تشکیل‌دهنده هر زیرمقیاس، نمره کل آن زیرمقیاس به دست می‌آید. این مقیاس، به دلیل روی آورد چند حیطه‌ای و ارزیابی از سوی چندین رتبه‌گذار و نیز در نظر گرفتن امکان مداخله، به وسیله بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان یکی از بهترین مقیاس‌های اندازه‌گیری مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری معرفی شده است. ضریب قابلیت اعتماد با روش بازآزمایی در فرم والدین برای عامل مهارت‌های اجتماعی ۰/۸۷ و همسانی درونی ۰/۸۷ به دست آمده است. ضریب قابلیت اعتماد با روش بازآزمایی در فرم معلم برای عامل

1. Gresham & Elliott

مهارت‌های اجتماعی ۰/۸۵، مشکلات رفتاری ۰/۸۴ و همسانی درونی برای مهارت‌های اجتماعی ۰/۹۴ و مشکلات رفتاری ۰/۸۸ گزارش شده است (گرشام والیوت، ۲۰۰۷). برنامه مداخله‌ای: برنامه آموزش حل مسئله بین فردی با رویکرد خلاقانه: در این پژوهش از محتوای برنامه حل مسئله بین فردی با رویکرد خلاقانه (کاشانی وحید و همکاران، ۲۰۱۷) استفاده شد. این برنامه با الهام گرفتن از مدل حل مسئله خلاق آذربورن-پارنز (آذربورن، ۱۹۶۳؛ پارنز، ۱۹۶۷) و گسترش قسمت‌های مختلفی از دیگر برنامه‌های پرورش خلاقیت و با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی، طراحی و بومی‌سازی شده است. این برنامه مداخله‌ای شامل ۱۵ جلسه بود که هفته‌ای یک روز به‌طور گروهی به مدت ۷۰-۹۰ دقیقه به آزمودنی‌های گروه آزمایش ارائه شد. فعالیت‌های کلاس به‌طور دسته‌جمعی طراحی شد تا فرصت تعامل و بهره‌گیری از نظرات و نقد و بررسی آراء برای افراد فراهم شود تا شرایط برای بهبود مهارت‌های ارتباطی مهیا گردد.

جدول ۱. جلسات آموزشی برنامه حل مسئله خلاق بین فردی

جلسه	هدف و محتوای جلسات
۱	معرفی برنامه، روش‌های مواجهه و بیان مثبت یک مسئله، مرحله ساخت فرصت‌های حل مسئله خلاق در مواجهه با مسائل بین فردی
۲	تشخیص و مدیریت احساسات
۳	معرفی مراحل حل مسئله، معرفی نردبان حل مسئله بین فردی و کاربرد آن
۴	آشنایی با مرحله کشف داده‌های حل مسئله خلاق و نردبان حل مسئله به‌جای شکایت به آموزگار
۵	استفاده از مهارت‌های حل مسئله در متوقف ساختن قلدری و آزار جسمی و کلامی
۶	معرفی ابزارهای تولید ایده‌های جدید
۷	معرفی ابزارهای تولید ایده خلاق از جمله بارش فکری، ارتباط اجباری و فهرست خصوصیات و تشویق دانش‌آموزان در کاربرد آن‌ها در روابط بین فردی برای مثال در مواجهه با فشار همسالان
۸	آموزش و تشویق در به‌کارگیری ابزارهای تفکر نقادانه و تمرکز ایده درباره مشکل مواجهه با فشار همسالان
۹	به‌کارگیری ابزارهای آموخته‌شده در جلسات گذشته به‌منظور حفظ آرامش در مواجهه با نگرانی و عصبانیت
۱۰	آشناسازی و تمرین دانش‌آموزان با استفاده از نردبان حل مسئله اجتماعی به‌منظور ارائه انتقاد سازنده

جلسه	هدف و محتوی جلسات
۱۱	استفاده از تکنیک‌های حل مسئله خلاق در زمینه دوست‌یابی، برقراری رابطه با همسالان
۱۲	تمرین در مهارت دیدگاه‌گیری و گوش کردن
۱۳	آشناسازی و تمرین مفهوم صبر در برابر ناکامی‌ها و داشتن آرامش در روابط بین فردی
۱۴	معرفی قانون طلایی "هر چه برای خود نمی‌پسندید، برای دیگران هم نپسندید" از طریق فعالیت‌های مختلف
۱۵	جشن حل مسئله

جهت انجام پژوهش حاضر پس از کسب مجوزهای لازم علمی و اجرایی، ضرورت انجام پژوهش حاضر برای مدیران مراکز بهزیستی شهر تهران مطرح شد. به آزمودنی‌ها درباره این مطالعه اطلاعات لازم داده شد و از آن‌ها رضایت‌نامه کتبی مبنی بر شرکت در پژوهش اخذ شد. ابتدا تمامی آزمودنی‌ها مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت را تکمیل کردند و نمرات آن‌ها به‌عنوان پیش‌آزمون در نظر گرفته شد. سپس به‌طور تصادفی در یکی از دو گروه آزمایش یا گواه قرار گرفتند. برنامه آموزش حل مسئله بین فردی با رویکرد خلاقانه توسط پژوهشگر در ۱۵ جلسه به‌صورت هفته‌ای یک روز به‌طور گروهی به مدت ۹۰-۷۰ دقیقه به آزمودنی‌های گروه آزمایش ارائه شد. در واقع، آزمودنی‌ها در گروه گواه در زمان مشابه به فعالیت‌های آزاد می‌پرداختند. در پایان برای رعایت شدن ملاحظات اخلاقی گروه گواه، پس از جمع‌آوری داده‌ها، برنامه مداخله‌ای مدنظر به‌صورت فشرده و در ۱۰ جلسه به گروه گواه آموزش داده شد.

لازم به ذکر است سایر ملاحظات اخلاقی نیز در این مطالعه رعایت شد. به مسئولین در پژوهش اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست‌آمده از پژوهش به‌صورت محرمانه و بدون ذکر نام مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنین اطمینان داده شد که به‌منظور حفظ اسرار شخصی و عدم تجاوز به حریم خصوصی افراد، نتایج در سطح کلی (میانگین) گروه‌ها گزارش شده و برای مقاصد تربیتی در اختیار روانشناسان، متخصصان آموزش و پرورش، مربیان مراکز بهزیستی و توان‌بخشی قرار می‌گیرد. در مورد عدم ضرر و زیان ناشی از شرکت در پژوهش، اطلاعات کامل در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و

آن‌ها آزاد بودند که هر زمان که بخواهند از ادامه همکاری با پژوهشگر، خودداری کنند. در پایان مطالعه، داده‌های جمع‌آوری شده به استفاده از روش تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین و انحراف استاندارد در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، به تفکیک هر آزمون برای هر دو گروه در جدول ۲ گزارش شده است. میانگین نمرات گروه آزمایش در مقیاس مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت تورنس در مقایسه با گروه گواه در طول زمان (پس‌آزمون) به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. این نتایج در گام اول، بهبود مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت را در کودکان نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مقیاس مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت تورنس

گروه کنترل				گروه آزمایش				متغیر	
پس‌آزمون		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون			
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M		
۰/۷۰	۶/۴۰	۰/۹۷	۶/۴۰	۰/۸۵	۷/۵۰	۰/۷۱	۶/۰۵	همکاری	مهارت‌های اجتماعی
۱/۱۰	۵/۹۰	۱/۰۳	۶/۲۰	۰/۹۵	۶/۷۰	۱/۱۰	۶/۱۰	جرأت‌ورزی	
۰/۹۷	۶/۴۰	۰/۹۵	۶/۷۰	۰/۸۷	۷/۹۰	۱/۰۳	۶/۸۰	خودکنترلی	
۱/۷۷	۱۸/۷۰	۱/۴۹	۱۹/۳۰	۲/۰۲	۲۲/۱۰	۱/۲۶	۱۹/۴۰	مهارت‌های اجتماعی	
۲/۳۵	۱۲/۲۰	۲/۵۷	۱۲/۲۰	۱/۲۵	۱۴/۰۰	۱/۷۷	۱۲/۷۰	سیالی	خلاقیت
۲/۲۶	۱۳/۳۰	۲/۳۱	۱۲/۷۰	۱/۶۴	۱۵/۷۰	۱/۵۵	۱۲/۸۰	انعطاف	
۲/۷۲	۱۳/۴۰	۲/۵۰	۱۳/۷۰	۲/۱۰	۱۵/۸۰	۱/۹۴	۱۴/۰۰	اصالت	
۲/۱۷	۲۱/۵۰	۲/۵۰	۲۰/۵۰	۴/۸۳	۲۵/۷۰	۱/۹۸	۲۰/۷۰	بسط	

قبل از انجام تحلیل کوواریانس، به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه، به عنوان پیش فرض لازم برای استفاده از این تحلیل، با استفاده از آزمون شاپیرو ویلکز اطمینان حاصل شد که داده‌های پژوهش در سطح $P \geq 0.05$ نرمال هستند. داده‌ها نشان می‌دهد که فرضیه نرمال بودن داده‌ها برقرار می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳. آماره شاپیرو ویلکز برای بررسی نرمال بودن داده‌ها در گروه آزمایش و کنترل

گروه کنترل			گروه آزمایش			متغیر	
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره		
۰/۰۶۴	۲۰	۰/۹۱۰	۰/۰۷۱	۲۰	۰/۹۱۴	همکاری	مهارت‌های اجتماعی
۰/۰۶۱	۲۰	۰/۹۰۹	۰/۰۵۹	۲۰	۰/۹۱۱	جرأت‌ورزی	
۰/۰۵۶	۲۰	۰/۹۰۷	۰/۱۰۸	۲۰	۰/۹۲۲	خودکنترلی	
۰/۰۶۱	۲۰	۰/۹۰۹	۰/۰۸۹	۲۰	۰/۹۱۸	مهارت‌های اجتماعی	
۰/۰۶۸	۲۰	۰/۹۱۱	۰/۰۶۷	۲۰	۰/۹۱۳	سیالی	خلاقیت تونرس
۰/۵۸۳	۲۰	۰/۹۶۲	۰/۸۴۹	۲۰	۰/۹۷۵	انعطاف	
۰/۰۵۹	۲۰	۰/۹۰۸	۰/۷۹۰	۲۰	۰/۹۷۲	اصالت	
۰/۲۷۸	۲۰	۰/۹۴۳	۰/۱۱۶	۲۰	۰/۹۲۴	بسط	

قبل از به کارگیری طرح تحلیل کوواریانس اولین مفروضه آن با توجه به وجود یک عامل بین آزمودنی (گروه آزمایش و کنترل) بررسی همگنی واریانس‌ها بود. به همین منظور آزمون لوین برای تعیین همگنی واریانس‌های خطا، آزمون و تأیید شد بدین معنی که فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون همگنی واریانس برای متغیرهای وابسته و مؤلفه‌های آن‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	آزمون لوین	متغیر	
۰/۲۸۰	۱۸	۱	۱/۲۴۱	همکاری	مهارت‌های اجتماعی
۰/۸۰۸	۱۸	۱	۰/۰۶۱	جرأت‌ورزی	
۰/۷۳۵	۱۸	۱	۰/۱۱۸	خودکنترلی	

متغیر	آزمون لوین	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
مهارت‌های اجتماعی	۰/۲۹۷	۱	۱۸	۰/۵۹۲
سیالی	۰/۸۹۳	۱	۱۸	۰/۳۵۷
انعطاف	۱/۰۴۲	۱	۱۸	۰/۳۲۱
اصالت	۱/۵۸۲	۱	۱۸	۰/۲۲۵
بسط	۰/۹۲۳	۱	۱۸	۰/۳۴۹

با توجه به جدول ۵ برای بررسی همگنی شیب رگرسیون، تعامل متغیر مستقل با متغیرهای همپراش، مورد بررسی، قرار گرفتند. با توجه به جدول بالا، سطوح معنی داری (sig)، تعامل متغیر مستقل (گروه)، با دو متغیر همپراش (مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت)، از ۰/۰۵ بیشتر است و معنی دار نیست؛ بنابراین با اطمینان، می‌توانیم بگوییم شرط همگنی شیب رگرسیون، برای انجام تحلیل کواریانس برقرار است.

جدول ۵. بررسی تعامل متغیر مستقل و متغیرهای همپراش با استفاده از شیب خط رگرسیون

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
مدل تصحیح شده	۷۶۵/۲۱۸	۲	۲۸۶/۹۸۷	۳/۴۱۹	۰/۰۴
گروه*پیش‌آزمون	۴۵۱/۷۱۹	۱	۲۲۱/۸۰۹	۲/۵۳۴	۰/۱۵۸
خطا	۱۷۸/۶۵۳	۱۶	۵۲/۲۰۱	---	---
کل	۷۶۸۲/۱۰۰	۲۰	---	---	---
مدل تصحیح شده	۲۲۱۴/۷۱۷	۲	۵۰۴/۹۶۵	۷/۶۷۷	۰/۰۰۰
گروه*پیش‌آزمون	۱۷/۸۸۶	۱	۱۱۵/۱۶۴	۳/۰۱۹	۰/۰۷۷
خطا	۱۸۱/۵۵۳	۱۶	۱۹/۸۸۲	---	---
کل	۳۵۷۲۴/۰۰	۲۰	---	---	---

به منظور مقایسه نمرات دو گروه در پس‌آزمون و در نظر داشتن تفاوت آن‌ها در پیش‌آزمون از تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شده است. همان‌طور که نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در جدول ۶ نشان می‌دهد در همه خرده‌آزمون‌های هر دو آزمون

تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده می‌شود. از این رو، با توجه به یافته‌های جدول ۲ مبنی بر بالاتر بودن میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون می‌توان چنین استنباط کرد که برنامه مداخله برافزایش مؤلفه‌های مهارت اجتماعی و خلاقیت تأثیرگذار بوده و با در نظر گرفتن مجذور اتا، می‌توان گفت که در همکاری ۰/۴۳، جرأت‌ورزی ۰/۵۰ و خودکنترلی ۰/۵۱، سیالی ۰/۴۶، انعطاف ۰/۴۹، اصالت ۰/۴۵ و بسط ۳۲ درصد واریانس تغییرات ناشی از برنامه حل مسئله بین فردی به شیوه خلاقانه است.

جدول ۶. تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای خرده‌آزمون‌های مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت تورنس در دو گروه آزمایش و کنترل

اندازه اثر	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	خرده‌آزمون‌ها	
۰/۴۳۷	۰/۰۰۴	۱۱/۶۲۱	۵/۴۵۲	۱	۵/۴۵۲	گروه	همکاری	مهارت‌های اجتماعی
۰/۵۰۹	۰/۰۰۱	۱۵/۵۲۰	۳/۸۱۹	۱	۳/۸۱۹	گروه	جرأت‌ورزی	
۰/۵۱۲	۰/۰۰۱	۱۵/۷۶۱	۱۰/۵۲۶	۱	۱۰/۵۲۶	گروه	خودکنترلی	
۰/۴۶۰	۰/۰۰۴	۱۱/۹۳۶	۱۱/۱۶۲	۱	۱۱/۱۶۲	گروه	سیالی	خلاقیت تورنس
۰/۴۹۱	۰/۰۰۲	۱۳/۵۰۶	۲۵/۶۷۱	۱	۲۵/۶۷۱	گروه	انعطاف	
۰/۴۵۸	۰/۰۰۴	۱۱/۸۵۲	۲۰/۵۵۶	۱	۲۰/۵۵۶	گروه	اصالت	
۰/۳۲۸	۰/۰۲۰	۶/۸۲۵	۸۰/۲۲۲	۱	۸۰/۲۲۲	گروه	بسط	

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر کمکی (همپراش)، بین میانگین نمره کل مهارت‌های اجتماعی در مرحله پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). تفاوت بین نمرات دو گروه بیان‌کننده این مطلب است که برنامه حل مسئله خلاق بر مهارت‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده و با در نظر گرفتن مجذور اتا، می‌توان گفت که ۵۸ درصد واریانس پس‌آزمون ناشی از برنامه مداخله است.

جدول ۷. تحلیل کواریانس تک متغیری برای نمره کل مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی داری	شدت اثر
پیش‌آزمون	۲۵/۲۲۵	۱	۲۵/۲۲۵	۱۰/۷۸۱	۰/۰۰۴	
گروه	۵۴/۸۵۰	۱	۵۴/۸۵۰	۲۳/۴۴۳	۰/۰۰۰	
خطا	۳۹/۷۷۵	۱۷	۲/۳۴۰			۰/۵۸۰
کل	۸۴۴۶/۰۰۰	۲۰				

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار انجام شد. نتایج تحلیل کواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره نشان داد که پس از آموزش حل مسئله خلاق، میانگین نمرات گروه آزمایش در تمام ابعاد خلاقیت، به‌طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با نتایج حاصل از مطالعات (سوسا و همکاران، ۲۰۱۴؛ گارایگوردویل و بریکو، ۲۰۱۱؛ شور و ابرسون، ۲۰۱۳؛ پوچیو و همکاران، ۲۰۲۰) همسو است. همچنین نتایج مشابه در پژوهش کاشانی و حید و همکاران (۲۰۱۷) به دست آمد که با هدف بررسی اثر بخشی برنامه حل مسئله خلاق بر بهبود تفکر خلاق دانش‌آموزان تیزهوش انجام شده بود، نشان داد شرکت‌کننده‌ها در تمام مؤلفه‌های خلاقیت یعنی سیالی، انعطاف، اصالت و بسط در مقایسه با گروه کنترل پیشرفت معناداری داشته‌اند.

بنابراین می‌توان استنباط کرد که آموزش برنامه حل مسئله خلاق بین فردی مورد استفاده در این پژوهش، به دلیل آموزش و فراهم‌سازی بستر مناسبی برای استفاده کودکان شرکت‌کننده از راه‌حل‌های مختلف به پرورش خلاقیت آن‌ها منجر گردید. همچنین ارائه و تکنیک‌های خلاقیت مانند فهرست ویژگی‌ها و ارتباط اجباری توانست به شکل مناسبی به بهبود خلاقیت کودکان کار منجر گردد. به نظر می‌رسد آموزش مهارت حل مسئله می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای موفقیت در چالش‌های بین فردی به کودکان

کار یاری دهد. افرادی که تفکر خلاق دارند می‌توانند در قالب یک فرآیند سیستماتیک و سازمان‌یافته برای حل مشکل، ارزیابی منابع و راه‌حل‌های گوناگون به حل مشکل پردازند (آی، کاراکایا و ایلماز، ۲۰۱۵).

روند تغییر نمرات مهارت‌های اجتماعی از پیش‌آزمون به پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل به صورت معناداری متفاوت و افزایشی است. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، با نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات بسیاری (اسکین، ۲۰۱۲؛ کزدین، ۲۰۱۰؛ نیکنام و همکاران، ۱۳۹۸) در تغییر مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی همسو بوده است. کودکان کار در معرض بسیاری از مشکلات عاطفی اجتماعی هستند که با اقدامات پیشگیرانه مناسب مانند برنامه‌های آموزش حل مسئله می‌توان از وقوع، گسترش و یا انتقال آن به بزرگ‌سالی جلوگیری نمود. آموزش مهارت‌های حل مسئله بین فردی به‌عنوان رویکردی پیشگیرانه می‌تواند افزایش توانایی‌های روانی و هیجانی کودکان و نوجوانان را در پی داشته باشد (هالاکر و ملر، ۲۰۱۰). در همین راستا نتایج پژوهشی خانیکی و معتمدی نیز نشان می‌دهد که به‌کارگیری مشاوره‌های گروهی راه‌حل‌محور بر خودکارآمدی کودکان کار در مقابله با شرایط دشوار مؤثر بوده است (خانیکی و معتمدی، ۱۳۹۶).

در تبیین نتایج می‌توان گفت کودکانی که به مهارت حل مسئله مسلح می‌گردند، سازگاری بیشتری با محیط کسب می‌کنند و زمانی که جریان کارها مطابق میل آن‌ها پیش نمی‌رود، تحمل بیشتری دارند، راحت‌تر دوست پیدا می‌کنند و می‌توانند دوستان خود را بیشتر نگاه‌دارند (شور و ابرسون، ۲۰۱۳). شاید با اجرای این برنامه زمینه‌هایی برای دانش‌آموزان شرکت‌کننده فراهم شد تا بتوانند فرآیند حل مسئله‌ای که در این برنامه آموخته‌اند را به محیط‌های دیگر تعمیم داده و در شرایط مختلف و موضوعات دیگر درسی نیز از آن استفاده نمایند. به این دلیل از نظر آموزگاران خود که پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی بودند، همکاری و خویش‌داری بیشتری از خود نسبت به کودکان دیگر داشته‌اند. از منظر دیگر، برای رسیدن به حل مسئله نیاز به یک ذهن

باز، استدلالی و منطقی وجود دارد؛ یا طبق نظریه دیزوریللا و گلدفرید برای رسیدن به حل مسئله مناسب در موقعیت‌های اجتماعی به جای سبک حل مسئله تکانشی، نیاز به سبک حل مسئله منطقی وجود دارد (دیزوریللا و گلدفرید؛ ۱۹۷۱). حل مسئله منطقی به این معناست که فرد موانع و خواسته‌ها را تعیین می‌کند، هدف را مشخص می‌کند، راه‌حل‌های جایگزین را ایجاد و اجرا می‌کند و نتایج به دست آمده را به دقت ارزیابی می‌کند. در مقابل در سبک تکانشی فرد برای رسیدن به حل مسئله تلاش‌های کوتاه‌بینانه، شتابزده، بی‌دقت، عجولانه و ناکامل انجام می‌دهد که در نهایت منجر به شکست و طرد او در موقعیت‌های بین فردی می‌گردد و در نهایت برچسب کودک پر خاشاک و ناسازگار که نمی‌تواند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار کند را می‌خورد. آموزش‌های داده شده در زمینه خلاقیت باعث تسهیل تفکر منطقی و رسیدن به یک ذهن باز و استدلالی گردید به این معنا که آموزش با تقویت چهار مؤلفه خلاقیت باعث افزایش بارش مغزی کودک (سیالی)، دیدن مسائل از زاویه‌های جدید (اصالت) و متفاوت (انعطاف پذیری) و توجه به جزئیات مسئله (بسط) شد. با استفاده از روش بارش مغزی، سیالی فکر و ایجاد راه‌حل تقویت شد. علاوه بر این، با تغییر طبقات فکری سعی شد تا راه‌حل‌های جدید، متنوع و انعطاف‌پذیری افزایش یابد.

از نقطه نظر دیگر می‌توان گفت آن دسته از کودکان کار که از مهارت حل مسئله استفاده می‌کنند، در هنگام رویارویی با موقعیت تنش آور به طور مستقیم با مشکل درگیر می‌شوند و از تمام نیروی خود استفاده می‌کنند تا این شرایط باعث نظم فکری آن‌ها شده و آشفته‌گی هیجانی آن‌ها را کاهش دهد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این به کارگیری سبک کنار آمدن مسئله‌مدار در موقعیت‌های تنش آور موجب می‌شود که فرد با تمرکز بر مشکل در صدد حل مسئله تلاش کند و به دلیل این انسجام فکری فراهم شده، منبع تنیدگی را شناسایی کند که این موضوع باعث می‌شود منبع تنیدگی به طور قابل مهار ارزیابی شود. در این حالت حتی اگر مشکل نیز حل نشود، شناسایی منبع تنیدگی از یک سو و افزایش آگاهی و احساس مهارگری بیشتر نسبت به عوامل تنش آور از سوی

دیگر، به بهبود سلامت روانی و ارتباطی فرد کمک می‌کند.

در مجموع و با توجه به یافته‌های پژوهشی، مهارت حل مسئله خلاق با تأکید بر روابط بین فردی، ابزاری برای مدیریت موفقیت‌آمیز در انواع مشکلات معمول و ناآشنا است که باعث تقویت رفتارهای سازنده در ارتباطات اجتماعی می‌شود. این مهارت‌ها برای تمامی کودکان به‌ویژه کودکان کار بسیار مهم هستند. مهارت‌های حل مسئله و خلاقیت در بالاترین سطح فعالیت شناختی انسان قرار دارند و از ارزشمندترین اهداف تربیتی-آموزشی به حساب می‌آید. در واقع هدف عمده تمام نهادهای تربیتی و همه فعالیت‌های آموزشی، ایجاد توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان است که باعث می‌شود این افراد در مقابله با شرایط زندگی و موقعیت‌های جدید که با آن روبه‌رو می‌شوند، آمادگی لازم را داشته باشند.

محدودیت پژوهش حاضر انتخاب نمونه‌ای در دسترس از کودکان کار در شهر تهران و فقط در یک منطقه بود؛ بنابراین در تعمیم نتایج به سایر مناطق و به سایر کودکان کار باید جانب احتیاط رعایت شود. محدودیت زمانی پژوهش امکان انجام پیگیری‌های بلندمدت‌تر درباره ماندگاری اثرات پژوهش را غیرممکن ساخته بود. حل مسئله یک مهارت اساسی برای زندگی و یادگیری است که برای کاربرد طیف وسیعی از فرایندهای تفکر مناسب است؛ شیوه عملی یادگیری و مدلی است برای بهبود روابط، برخورد با ابهام‌های اجتماعی و کاهش تنش‌ها که همه ما گاه‌گاهی با آن روبرو هستیم. از این رو، برنامه حاضر به‌عنوان یک برنامه پیشگیرانه به مراکز آموزشی، مددکاری و روان‌شناسی توصیه می‌شود.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی بین نویسندگان گزارش نشده است.

تشکر و قدردانی

این پژوهش بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم، تحقیقات است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می دانند از تمامی دست اندرکاران سازمان بهزیستی و تمامی مشارکت کنندگان که در اجرای این پژوهش مشارکت داشتند، تشکر و قدردانی نمایند.

ORCID

Leila Kashani Vahid		http://orcid.org/ 0000-0002-5070-5186
Elham Hakimirad		http://orcid.org/
Maryam Asaseh		http://orcid.org/
Zahra Farsian		http://orcid.org/

منابع

- پیر خائفی، علیرضا (۱۳۹۱). ارتباط مؤلفه‌های فراشناختی خلاقیت با سلامت روان در دانشجویان. *فصلنامه شناخت اجتماعی*، ۲(۱)، ۱۱۲-۱۰۱.
- خانیکی، الهه و معتمدی، عبدالله (۱۳۹۶). تأثیر مشاوره گروهی «راه‌حل محور» بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی کودکان کار. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۴(۱)، ۱۱۹-۱۰۹.
- زراعت کار، هانیه و مرادی، علیرضا (۱۳۹۸). تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله به روش داستان-گویی بر سطوح مختلف پرخاشگری دانش‌آموزان. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۶(۲)، ۶۸-۸۰.
- شاه‌حسینی تازیک، سعید؛ فروزانفر، آزاده؛ هاشمی گلپایگانی، فاطمه و طاهری، نجمه (۱۳۹۴). مقایسه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی. *فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۴(۱۶)، ۹۷-۸۸.
- شعبانی، مرتضی؛ ملکی، حسن؛ عباسپور، عباس و سعدی پور، اسماعیل (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مبتنی بر حل مسئله خلاق بر تفکر خلاق کارکنان مؤسسه اعتباری کوثر، *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۶(۴)، ۱۷۰-۱۴۹.
- نیکنام، کریم؛ غباری بناب، باقر و حسن‌زاده، سعید (۱۳۹۸). تأثیر آموزش حل مسئله خلاقانه بر خلاقیت و رضایت از زندگی دانش‌آموزان پسر تیزهوش. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۶(۲)، ۲۰۵-۲۱۷.

- Admaw, T., & Ghosal, S. (2018). Socio-economic determinants of child labor exploitation: the case study of Jimma Town, Ethiopia. *International Journal of Economics & Finance Research & Applications* 2(1).
- Avci, D., Selcuk, K. T., & Kaynak, S. (2018). The magnitude and determinants of emotional-behavioral problems in working adolescents in Turkey. *Archives of psychiatric nursing*, 32(1), 44-50.
- Ay, F. A., Karakaya, A., & Yilmaz, K. (2015). Relations between self-leadership and critical thinking skills. *Procedia-social and Behavioral sciences*, 207, 29-41.
- Chang, E. C., D'Zurilla, T. J., & Sanna, L. J. (2004). *Social problem solving: Theory, research, and training*. American Psychological Association.
- Cummings, P. M. (2016). Child labor and household composition: Determinants of child labor in Mexico. *Asian Journal of Latin American Studies*, 29(3), 29-54.

- D'zurilla, T. J., & Goldfried, M. R. (1971). Problem solving and behavior modification. *Journal of abnormal psychology*, 78(1), 107.
- Eskin, M. (2012). *Problem solving therapy in the clinical practice*. Newnes.
- Garaigordobil, M., & Berruoco, L. (2011). Effects of a play program on creative thinking of preschool children. *The Spanish journal of psychology*, 14(2), 608-618.
- Gresham, F., & Elliott, S. N. (2007). *Social skills improvement system (SSIS) rating scales*. San Antonio, TX: Pearson Education Inc.
- Harlacher, J. E., & Merrell, K. W. (2010). Social and emotional learning as a universal level of student support: Evaluating the follow-up effect of strong kids on social and emotional outcomes. *Journal of Applied School Psychology*, 26(3), 212-229.
- Hosseinpour, M., Mohammadzadeh, M., & Atoofi, M. (2014). Work-related injuries with child labor in Iran. *European journal of pediatric surgery*, 24(1), 117-120.
- Ibrahim, A., Abdalla, S. M., Jafer, M., Abdelgadir, J., & de Vries, N. (2019). Child labor and health: a systematic literature review of the impacts of child labor on child's health in low-and middle-income countries. *Journal of Public Health*, 41(1), 18-26.
- Imanzadeh, A., & Alipour, S. (2019). Lived Experience of Loneliness by Tabriz's labor Children: A Phenomenological Study. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 8(2), 279-304.
- Kashani-Vahid, L., Afrooz, G., Shokoohi-Yekta, M., Kharrazi, K., & Ghobari, B. (2017). Can a creative interpersonal problem solving program improve creative thinking in gifted elementary students? *Thinking skills and creativity*, 24, 175-185.
- Kazdin, A. E. (2010). Problem-solving skills training and parent management training for oppositional defiant disorder and conduct disorder.
- La Marca, R., Bösch, M., Sefidan, S., Annen, H., Wyss, T., & Ehlert, U. (2017). Inverse effects of optimism and resilience on the acute stress reactivity of the autonomic nervous system. *Psychoneuroendocrinology*, 83, 15-16.
- Mafra, H. (2015). Development of learning and social skills in children with learning disabilities: an educational intervention program. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 209, 221-228.
- Myburgh, C., Moolla, A., & Poggenpoel, M. (2015). The lived experiences of children living on the streets of Hillbrow. *Curationis*, 38(1), 1-8.
- Nelson, D. W., & Sim, E. K. (2014). Positive affect facilitates social problem solving. *Journal of Applied Social Psychology*, 44(10), 635-642.
- Nejad, M. R., & Khodabakhshi-Koolae, A. (2020). Effectiveness of psychodrama on Increasing Social Skills and Reducing of Aggression in Afghan Immigrant Labor Children.

- Pinzón-Rondón, Á. M., Cifuentes, L. B., Zuluaga, C., Botero, J. C., & Pinzon-Cacedo, M. (2018). Wealth, social protection programs, and child labor in Colombia: a cross-sectional study. *International Journal of Health Services, 48*(3), 535-548.
- Puccio, G. J., Burnett, C., Acar, S., Yudess, J. A., Holinger, M., & Cabra, J. F. (2020). Creative problem solving in small groups: the effects of creativity training on idea generation, solution creativity, and leadership effectiveness. *The Journal of Creative Behavior, 54*(2), 453-471.
- Shure, M. B. (1993). Interpersonal Problem Solving and Prevention. A Comprehensive Report of Research and Training. *A Five-Year Longitudinal Study, Kindergarten through Grade 4*.
- Shure, M. B., & Aberson, B. (2013). Enhancing the process of resilience through effective thinking. In *Handbook of resilience in children* (pp. 481-503). Springer, Boston, MA.
- Sousa, F. C., Monteiro, I. P., Walton, A. P., & Pissarra, J. (2014). Adapting creative problem solving to an organizational context: A study of its effectiveness with a student population. *Creativity and Innovation Management, 23*(2), 111-120.
- Vameghi, M., Roshanfekar, P., Ali, D., Noroozi, M., Madani, S., McFarland, W., & Mirzazadeh, A. (2019). Population size estimates of street children in Iran: synthesis of multiple methods. *Journal of Urban Health, 96*(4), 549-557.
- Watkins, K. (2016). *The State of the World's Children 2016: A Fair Chance for Every Child*. UNICEF. 3 United Nations Plaza, New York, NY 10017.
- Webster-Stratton, C., & Reid, M. J. (2004). Strengthening social and emotional competence in young children—The foundation for early school readiness and success: Incredible years classroom social skills and problem-solving curriculum. *Infants & Young Children, 17*(2), 96-113.
- Worku, B. N., Urgessa, D., & Abeshu, G. (2019). Psychosocial Conditions and Resilience Status of Street Children in Jimma Town. *Ethiopian Journal of Health Sciences, 29*(3).

استناد به این مقاله: کاشانی‌وحید، لیلا، حکیمی‌راد، الهام، اساسه، مریم، فارسینان، زهرا. (۱۴۰۰). اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله خلاق بین‌فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار، *روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۱۱(۴۳)، ۲۰۷-۲۳۲.

DOI: 10.22054/JPE.2022.62339.2350



Psychology of Exceptional Individuals is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.